خبر روز

سارق سابقه‌دار در یک قدمی قطع ۴ انگشت

حکم پرونده مرد ۵۱ ساله که سال ۸۸ به‌دلیل سرقت به قطع چهار انگشت محکوم شده بود، برای اجرا به دادسرای جنایی تهران ارسال شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، این مرد ۵۱ ساله زندانی، اوایل تیر سال ۸۸ بابت نگهداری ۴۹ گرم هروئین در یکی از محله‌های شهر اراک در استان مرکزی زندانی شد و بعد از محاکمه حبس ابد گرفت. بعد از چند سال توبه‌نامه‌اش پذیرفته شد و حبس او شکست و به ۱۸ سال تبدیل شد. بعد از آن چند مرتبه به مرخصی آمد و از خانه‌های مردم سرقت کرد. متهم این‌بار به اتهام ۳۹ فقره سرقت اموال خانه‌ها و نیز اقدام برای سرقت اموال موجود در ساختمان مرتبط به یکی از شعبات بانک در شعبه ۱۰۷ دادگاه کیفری ـ جزایی اراک محاکمه و به رد مال، سه سال حبس و قطع چهارانگشت دست راست محکوم شد. اعتراض متهم قبول نشد و رای تایید و پرونده وی به اجرای احکام ارسال شد. با گذشت هشت سال از صدور این حکم چون مقدمات اجرای آن فراهم نبود پرونده این زندانی سابقه‌دار به دادسرای جنایی تهران ارسال شد.

حسین گودرزی، قاضی شعبه سوم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: پرونده اجرای حکم قطع چهارانگشت دست راست این زندانی به‌طور نیابتی به اجرای احکام ارسال شد تا حکم اجرا شود.

گزارش

نجات ۹ سرنشین قایق از مرگ توسط ۲ برادر فداکار

فرشتگان نجات در دریا

لیلا حسین‌زاده
گروه حوادث

بهروز و فتاح خدابخشی، دو برادر ۳۲ و ۳۶ ساله ایذه‌ای هستند که شب عاشورا و در حالی‌که مرگ بالای سر ۱۰ نفر از مسافران یک قایق خیمه زده و در حال غرق شدن در سد کارون ۳ خوزستان بودند به کمک آنها رفتند و همه مسافران به جز یک مسافر مفقودی را از مرگ حتمی نجات دادند. با گذشت چند روز از حادثه، جست‌وجوها برای یافتن مسافر مفقودی توسط بهروز، برادرش و نیروهای امدادی همچنان ادامه دارد.

همه مسافران قایق مرگ که ۹ نفرشان نجات پیدا کرده‌اند، حالا به دقایق مرگباری فکر می‌کنند که فاصله‌ای با مرگ نداشتند اما بهروز و فتاح، سربزنگاه به کمک آمدند و نجات‌شان دادند. بهروز و برادرش فتاح در روستای کهرلای ایذه زندگی می‌کنند. جایی‌که تا چشم کار می‌کند آب است. روز حادثه، بهروز و فتاح جلوی در خانه مشغول صحبت بودند و دریا و آسمان هم مشغول غریدن. مونسون در خوزستان هم داشت جولان می‌داد و بهروز نگران قایقش بود که آن را با طناب بسته بود. ساعت ۷/۵ یا ۸ شب بود که قایقی از جلوی چشمان بهروز و فتاح عبور کرد.

کابوس مرگ در دریا

بهروز در مورد ماجرای آن شب به «جام‌جم» توضیح می‌دهد: «چشمم به قایق بود که داشت رد می‌شد اما یکدفعه ایستاد و ثانیه‌ای بعد از جلوی چشمان بهت‌زده ما ناپدید شد. از جایی که ما بودیم تا محل حادثه، بیشتر از یک کیلومتر فاصله داشت. صحنه عجیبی بود. آن شب شدت باد، توفان و رعد و برق هم زیاد بود و جو خطرناکی وجود داشت. با این اتفاق، همراه برادرم به‌سرعت به سمت قایقم رفتیم و پس از باز کردن طناب به سمت جایی که قایق ناپدید شده بود، حرکت کردیم. وقتی رسیدیم، حدود ۱۰ نفر که راننده قایق هم همراه‌شان بود، روی آبی که ارتفاعش ۴۰ تا ۵۰ متر بود، دست و پا می‌زدند و کمک می‌خواستند. ساک، پتو، کیف و خیلی چیزهای دیگر روی آب معلق بود. نزدیک آنها که رسیدیم همه در حال جیغ و داد فریاد بودند و از هر طرف می‌گفتند ما را بکش بالا. اوضاع طوری بود که گیج شده بودم کدام را ابتدا بالا بکشم. شرایط بسیار خطرناکی بود و خودم با دیدن آن وضع جا خورده بودم. با خودم گفتم اگر من اینها را نجات ندهم، چه کسی نجات دهد. یکی از مسافران کودکی را روی دست و بیرون آب گرفته بود اما خودش مدام زیر آب می‌رفت و بالا می‌آمد. همه جلیقه به تن داشتند اما اشتباه آن را بسته بودند. وقتی با قایق کنارشان رسیدم به برادرم گفتم دست‌شان را بگیر و بعد با خلاص کردن قایق، به کمک برادرم رفته و پاهای مسافران را می‌گرفتم و داخل قایق می‌کشیدم. من یا برادرم به تنهایی نمی‌توانستیم این کار را انجام دهیم و به کمک هر دوی ما نیاز بود. راننده قایق هم در حال غرق شدن بود که او را هم نجات دادیم.

به گفته خدابخشی، مسافران قایق مرگ، سه زن ۳۰ تا ۳۵ ساله، سه مرد ۳۰ تا ۴۵ ساله، سه کودک ۱۲ تا ۱۳ ساله و یک کودک یک سال و نیمه را شامل می‌شدند که همگی عضو یک خانواده و اهل شهرستان میداوود خوزستان بودند که برای تفریح به آن منطقه آمده بودند.

او ادامه می‌دهد: «بعد از نجات آنها، برخی مسافران حتی دست و پایم را می‌بوسیدند. می‌گفتم چرا این کار را می‌کنید، می‌گفتند ما هیچ امیدی برای نجات نداشتیم اما وقتی شما به سمت ما آمدید، جان تازه‌ای گرفتیم. آن مرد مفقودی هم بنا به تجربه می‌گویم که احتمالا جلیقه نداشت اگر داشت، غرق نمی‌شد. برای پیدا کردن او سه بار با قایق، محلی را که ناپدید شده بود، گشتم اما به احتمال زیاد به عمق آب فرو رفته. قرار است غواصی از بندرعباس بیاید و محل را بگردد. قایق هم به‌علت موج دریا از بین رفته بود. بعد از نجات، مسافران را به خانه‌ام بردم و از آنها پذیرایی کردم، حتی برای‌شان گوسفند سر بریدم و دلداری‌شان دادم که غمگین نباشند و حتما مفقودی را هم پیدا می‌کنیم.»

هلال احمر گفت دریا با ما نیست

به گفته این مرد خوزستانی، ساعت ۱۲ همان شب بود که حادثه از طریق دهیاری به هلال‌احمر منطقه اعلام شد اما آنها گفتند نجات حادثه‌دیدگان از دریا جزو وظایف تعریف شده امدادگران هلال‌احمر نیست: «من هیچ ادعایی نداشته و با هلال‌احمر هم هیچ مشکلی ندارم اما آن شب هلال‌احمر حتی نیامد به اوضاع سرکشی کند. سه روز و سه شب است که درست نخوابیده‌ام و تمام فکرم این است که تکلیف آن مفقودی هم مشخص شود. بعد از آن حادثه، فیلم من در فضای مجازی پخش شد و آن قدر تماس‌هایم زیاد بود که نتوانستم یک دقیقه تلفنم را زمین بگذارم. من این کار را فقط برای امام حسین(ع) و رضایت خداوند انجام دادم و توقع هیچ تشویق و تقدیری هم ندارم. آن مسافران همنوع و هموطن من بودند و باید برای نجات‌شان کاری انجام می‌دادم. ۱۰۰ بار هم این اتفاق بیفتد، باز هم به آنها کمک می‌کنم.»

تلنگر

خرید ۹۰۰۰ میلیاردی ملک با رمزارز حبابی

رئیس پلیس فتای فراجا از کشف کلاهبرداری ۹ هزار و ۲۳۰ میلیارد تومانی در فضای مجازی خبرداد.

سردار مجید به سایت پلیس گفت: از چندی پیش، ماموران فتای فراجا با رصدهای صورت گرفته در فضای مجازی و اخبار دریافتی مبنی بر خرید و فروش کلان املاک و زمین‌های شهری در نقاط مختلف استان زنجان و دو استان دیگر با ارز دیجیتال از سوی فردی ناشناس تحقیقات را آغاز کردند. در بررسی‌ها معلوم شد ماجرا کلاهبرداری است و مردی ساکن تهران با شناسایی انبوه‌سازان زنجان اقدام به خرید گسترده واحدهای مسکونی و تجاری در سطح این استان کرده و مبلغ آن را با ارز دیجیتال پرداخته‌است.

وی افزود: با شناسایی مشاور املاکی که مبایعه‌نامه‌ها در آنجا تنظیم شده بود، مشخص شد معاملات در سطح کلان است و تنها یکی از معاملات شامل ۷۷ ملک تجاری و مسکونی به ارزش بالغ بر ۱۳۱ میلیون دلار معادل ۴۵۰۰ میلیارد تومان است. همچنین در ادامه بررسی‌های انجام شده، هویت فروشنده املاک نیز شناسایی شد و از وی در خصوص نحوه معامله و تعداد واحدهای به فروش رسیده تحقیقات جامعی صورت گرفت.

رئیس پلیس فتای فراجا گفت: در ادامه تحقیقات از فروشنده املاک، مشخص شد مردی ساکن تهران اقدام به معامله تعداد زیادی واحد مسکونی و تجاری در سطح شهرستان زنجان کرده و ثمن معامله از طریق بازکردن حساب خارجی و انتقال ارز دلار به کیف پول دیجیتال پرداخت شده‌است. در بررسی فنی کیف پول مورد ادعا، توسط کارشناسان مشخص شد ارزهای نمایش داده شده در داخل کیف پول صوری، حباب و فاقد ارزش بوده و قابلیت تبدیل شدن به ارزهای دیگر را ندارد و فقط امکان جابه‌جایی داخلی بین کیف پول‌های همان اپلیکیشن را دارد. از طرف دیگر مشخص شد متهم با ادعای داشتن مدرک دکترا و با معرفی خود به عنوان مدیرعامل، رئیس و عضو هیأت‌مدیره چند شرکت پتروشیمی، اعتماد کامل فروشنده را جلب کرده و به صورت حرفه‌ای و حساب شده مالباختگان را فریب داده و از آنان کلاهبرداری کرده‌است.

رئیس پلیس فتای فراجا ادامه داد: با اقدامات فنی صورت گرفته معلوم شد متهم به فروش واحدهای خریداری شده در یکی از دفاتر مشاوران املاک شهرستان زنجان اقدام کرده که پس از هماهنگی‌های صورت گرفته با مرجع قضایی وی و همدستانش دستگیر و تمامی ابزار دیجیتال آنها نیز توقیف شد. با بررسی بقیه معاملات و کلاهبرداری‌های انجام شده متهم به روش مشابه، مشخص شد وی با همین شیوه و شگرد با سه فرد دیگر در استان‌های زنجان به مبلغ ۲۵۰۰ میلیارد تومان و در همدان به مبلغ ۱۷۰ میلیارد تومان و در البرز به مبلغ ۲۰۶۰ میلیارد تومان اقدام به معامله کرده که در مجموع ارزش کل معاملات انجام شده توسط متهم به این روش مبلغ ۹۲۳۰ میلیارد تومان محاسبه و استخراج شده و مراحل قضایی آن تحت رسیدگی است.

اتفاقیه

جزئیات جست‌وجوی امدادگران هلال‌احمر برای یافتن سه مفقودی دماوند

جدال با مرگ در «یخار»

محمد غمخوار
دبیرگروه حوادث

جست‌وجوی تیم‌های امداد و نجات برای یافتن دو ناپدیدشده ارتفاعات دماوند، با مشاهده پیکر یکی از کوهنوردان ادامه دارد. دو کوهنورد جوان کرمانشاهی و مردی ۶۵ ساله، سه مفقودی ارتفاعات دماوند هستند که شرایط جوی و ریزش سنگ، عملیات برای یافتن آنها را با مشکل روبه‌رو کرده است.

کوهنورد ۶۵ ساله دو هفته قبل هنگامی که برای کوهنوردی به ارتفاعات دماوند رفته بود، ارتباطش با خانواده‌اش قطع شد و با گزارش خانواده این کوهنورد، جست‌وجو برای یافتن او توسط تیم‌های تخصصی هلال‌احمر آغاز شد. در حالی که هیچ ردی از مرد میانسال نبود، روز شنبه دو کوهنورد کرمانشاهی در تماس با تیم‌های امدادی اعلام کردند؛ در ارتفاعات دماوند مسیر را گم کرده‌اند. این آخرین تماس آنها با امدادگران بود.

دکتر غلامعلی فخاری اشرفی، مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر مازندران در این باره به جام‌جم گفت: «پس از اعلام گم کردن مسیر توسط دو کوهنورد کرمانشاهی، جست‌وجوها آغاز شد. بررسی‌ها نشان داد آنها هنگام برگشت به علت گم کردن مسیر وارد یخچال یخار شده‌اند. چند کوهنورد آنها را داخل یخچال دیده بودند. یکی از آنها بیهوش افتاده بود و دیگری دچار شکستگی و خونریزی خارجی شده بود. با کمک کوهنوردان محلی، موقعیت مکانی آنها را پیدا کردیم و تیم‌های امدادی برای اعزام به منطقه آماده شدند.»

شانزدهم مرداد با گزارش حادثه، یک تیم کوهستان با هماهنگی پایگاه رینه به‌سرعت به سمت یخچال یخار حرکت کردند. آنها بعد از ۱۰ ساعت کوهپیمایی به ارتفاع ۳۷۰۰ متری رسیده و به دلیل شرایط نامساعد جوی، مجبور به شب‌مانی در این ارتفاع شدند. ساعت ۵ صبح روز بعد دوباره صعود را آغاز کرده و به ارتفاع ۴۴۰۰ متری رسیدند اما سیلاب شب قبل مسیر را مسدود و شرایط بد جوی هم ادامه مسیر را برای تیم امدادی غیرممکن کرده بود. به همین خاطر تیم نجات بازگشت و روز بعد دو تیم دیگر کوهستان به منطقه اعزام شدند. آن طور که فخاری تشریح کرد: «دو تیم کوهستان خود را به پناهگاه تخت فریدون رسانده، شب را در آنجا کمپ زده و روز بعد ساعت ۷ صبح حرکت کرده و ساعت ۹ وارد یخچال یخار شدند. آنها با بررسی دوربینی، دو جسد را در آنجا مشاهده کردند و به دلیل شرایط جوی در آنجا کمپ زدند تا روز پنجشنبه با مساعد شدن هوا، عملیات انتقال اجساد را آغاز کنند.»

مهدی ولی‌پور، معاون امداد و نجات هلال‌احمر هم در این باره به جام‌جم گفت: «دو کوهنورد کرمانشاهی پس از انحراف از مسیر وارد دره یخار شده بودند که جزو خطرناک‌ترین یخچال‌های طبیعی ایران است و با توجه به گرم شدن زمین در این فصل، ریزش سنگ و وقوع سیلاب‌های لحظه‌ای در آن بسیار محتمل است که حجم زیادی از سنگ را به پایین پرت می‌کند. آنها در ارتفاع ۴۸۰۰ متری بوده‌اند که پس از تماس‌شان یک سیلاب لحظه‌ای در دره یخار رخ داده است.»

وی با هشدار به کوهنوردان درخصوص صعود نکردن به دماوند گفت: در روزهای اخیر مجموعا گزارش مفقود شدن سه نفر در ارتفاعات دماوند واصل شده که یک نفر از آنها آقایی ۶۵ ساله است که حدود دو هفته پیش در این ارتفاعات مفقود شده و با وجود چند فقره عملیات جست‌وجو از جبهه‌های مختلف قله دماوند، این کوهنورد هنوز پیدا نشده است.

محل کشف اجساد در یخچال

محکمه

سرنوشت قتل زن طلبکار با چوبه دار گره خورد

مرد جوان که تصور می‌کرد با آتش کشیدن مادر نامزدش و از بین بردن مدارک بدهی‌اش به او، تمام آثار جنایت خود را پاک کرده است، پس از دستگیری به جرم خود اعتراف کرد. قضات شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یک استان تهران نیز با توجه به مدارک موجود در پرونده، او را پس از محاکمه به قصاص و پرداخت دیه به خاطر جنایت بر میت محکوم کردند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از ۲۹ خرداد ۱۳۹۹ و با پیدا شدن جسد سوخته یک زن در حاشیه اتوبان باقری آغاز شد. جسد متعلق به مادر ۶۱ ساله‌ای به نام فهیمه بود که پسرش از دو روز پیش ناپدید شدن او را به پلیس اطلاع داده بود. او در تحقیقات پلیسی گفت: «سال ۹۰، مادرم مغازه‌اش را در خیابان امام حسین(ع) به مبلغ یک میلیارد تومان به یک زن فروخت اما خریدار به مادرم یک چک بی‌محل داد. از همان موقع درگیری میان مادرم و زن خریدار و دو پسرش آغاز شد و مادرم از آنها شکایت کرد. پسر آن زن، مرد خلافکاری به نام رضا بود که به اتهام قاچاق مواد مخدر در زندان ساری بود. او با وجود داشتن زن و بچه به خواهرم ابراز علاقه کرده و با او نامزد شده بود. چند روز قبلش رضا به مادرم گفت می‌خواهد بدهی‌اش را بپردازد و ۳۰۰ میلیون تومان هم اضافه پرداخت می‌کند. او به مادرم گفته بود از این ملاقات چیزی به ما نگوید، اما به مادرم گفتم آدرس آنجا را برای ما بفرستد تا بدانیم کجا می‌رود. ما به رضا مشکوکیم.»

با افشای این ماجرا، پلیس ردیابی رضا را آغاز کرد و مشخص شد او مهر ۹۱ به اتهام مشارکت در ساخت و نگهداری یک کیلو و ۴۰ گرم شیشه به ۲۵ سال زندان محکوم شده و ۲۳ تا ۲۸ خرداد ۹۹ به مرخصی رفته بود. اما پس از بازگشت به زندان مدعی شده بود حالش بد است و پزشک زندان پس از معاینه به او ۴۸ ساعت مرخصی داده بود، اما رضا دیگر از مرخصی استعلاجی به زندان برنگشته بود. سه ماه بعد، رضا خود را به پلیس آگاهی تسلیم کرد و گفت: من و فهیمه اختلاف داشتیم اما نه در حدی‌که او را بکشم، چون می‌دانستم پلیس دنبالم است و اعضای خانواده‌ام هم دستگیر شده بودند. خودم را معرفی‌کردم تا بگویم دخالتی در ماجرا نداشته‌ام. سناریوی دروغین رضا در حالی اجرا می‌شد که خون فهیمه داخل وان حمام و کفی خودروی او ریخته بود. وقتی رضا متوجه شد تمام شواهد علیه اوست، لب به اعتراف گشود و گفت: «آن شب به فهیمه گفتم چک مادرم را بیاورد اما وقتی آمد گفت چک دست پسرش است. بعد هم گفت دست از سر دخترش بردارم. فهیمه سلاحش را به سمتم گرفت که آن را به گوشه‌ای پرت کردم اما با هم درگیر شدیم و او را کشتم.»

با اعتراف مرد خلافکار به قتل، کیفرخواست او به اتهام قتل، جراحت‌های غیرمنتهی به جنایت و آتش زدن جسد صادر و متهم در شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد. فرزندان فهیمه درخواست قصاص کردند و متهم با انکار قتل گفت از سرنوشت او خبر ندارم و اعترافات قبلی‌ام تحت فشار بازجویی بود. در پایان جلسه، قضات وارد شور شده و با توجه به مدارک موجود در پرونده، رضا را به قصاص و پرداخت دیه به خاطر جنایت بر میت محکوم کردند.

عدلیه

ناکامی آدمرباها در اخاذی ۳۰ میلیاردی

پسر ۱۷ ساله که برای شرکت در کلاس زبان از خانه بیرون رفته بود از سوی ماموران قلابی ربوده شد. آنها قصد اخاذی ۳۰ میلیارد تومانی از خانواده گروگان خود را داشتند که ناکام ماندند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، اوایل هفته گذشته پسر ۱۷ ساله‌ای خودروی مدل بالای پدرش را به امانت گرفت و با سوار شدن به آن، راهی کلاس زبان انگلیسی تقویتی مدرسه‌شان در یکی از محله‌های تهران شد اما دیگر به خانه برنگشت. خانواده‌اش وقتی از او خبری پیدا نکردند به اداره پلیس آگاهی تهران رفتند و شکایت کردند.

دو ساعت بعد از این شکایت، افرادی از طریق واتس‌آپ در تماس با این خانواده اعلام کردند که فرزند آنها ربوده شده و در برابر آزادی‌اش ۳۰ میلیارد تومان خواستند. بعد از آن هم فیلم پسر نوجوان که دست و پابسته در اتاقی زندانی شده بود را برای‌شان ارسال کرده و تهدید کردند که اگر مبلغ درخواستی را نپردازند، او کشته می‌شود.

آنها از خانواده گروگان خود خواستند پول‌ها را داخل ساکی قرار داده و به یکی از محله‌های جنوبی تهران بیایند. خانواده پسر نوجوان هم براساس آموزش‌های پلیس راهی محل شدند. آدم‌ربایان وقتی به محل قرار رسیده و متوجه حضور پلیس در آنجا شدند، با رها کردن گروگان از محل گریختند. پسر نجات‌یافته در تحقیقات قضایی گفت: آن روز حوالی اتوبان امام علی(ع) خودروی پژویی با خودروی من تصادف کرد. برای بررسی وضعیت خودرو پیاده شده و به سرنشینان خودروی مقابل اعتراض کردم. خواستم به پدرم زنگ بزنم که سرنشینان پژو با معرفی خود به عنوان مامور مرا سوار ماشین کرده و مدعی شدند همسایه‌ها از من به خاطر شرارت شکایت کرده‌اند. چشم‌ها و دست و پایم را بستند. بعد مرا به خانه‌ای برده، در آنجا کتکم زدند، از آن فیلم گرفته و برای خانواده‌ام فرستادند. شب دوباره مرا سوار ماشین کرده و در خیابانی با دست و پای بسته رها کرده و گریختند. روز بعد خودروی سرقتی شاکی بدون سرنشین در جنوب شهر کشف شد. چهار متهم فراری تحت تعقیب بودند که دو روز پیش در جنوب و شرق تهران بازداشت شدند. آنها منکر آدمربایی شدند اما پسر ربوده‌شده آنها را شناسایی و به عنوان آدمربا معرفی کرد.

عظیم سهرابی، بازپرس شعبه نهم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: با انکار چهار متهم بازداشت‌شده، تحقیقات از آنها در پلیس آگاهی تهران ادامه دارد.

آگهی مزایده عمومی نوبت اول

هتل پارسیان انقلاب تهران وابسته به شرکت هتل‌های بین‌المللی پارسیان در نظر دارد نسبت به برگزاری مزایده با شرایط آزاد (واجد شرایط و نیاز هتل) به شرح جدول ذیل به اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط برای مدت یکسال شمسی اقدام نماید.

ردیف	موضوع تشریفات	نوبت	مبلغ سپرده شرکت در مذاکره (ریال)
۱	مزایده تاکسی سرویس	اول	۷۰,۰۰۰,۰۰۰

• از متقاضیان دعوت به‌عمل می‌آید جهت اخذ فرم شرایط شرکت در مزایده از تاریخ ۱۴۰۱/۰۵/۲۲ تا تاریخ ۱۴۰۱/۰۵/۳۰ (به استثناء ایام تعطیل) در ساعات ۹ الی ۱۶ به آدرس زیر مراجعه فرمایند:

آدرس: تهران، خیابان طالقانی، هتل انقلاب، امور قراردادها

تلفن: ۵-۸۸۹۳۷۲۵۱-۰۲۱

مهلت تحویل پاکات: تا ساعت ۱۵ ظهر روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۳۰ می‌باشد.

محل جمع آوری و تحویل اسناد: طبق آدرس فوق

تاریخ بازگشایی پاکات متقاضیان: در ساعت ۱۱ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۳۱ می‌باشد.

ضمنا متقاضیان محترم می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت‌های www.pih.ir و www.ptrco.ir مراجعه فرمایند.

هزینه دریافت اسناد مبلغ ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال می‌باشد.

هتل پارسیان انقلاب تهران